

به نام خدا

نقش فناوری‌های نوین در بهبود فرآیند مدیریت آموزشی در مدارس

مؤلفان:

زهرا نظری

نگار پناهی

سیده فردوس چلداوی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه: نظری، زهرا، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآورندگان: نقش فناوری‌های نوین در بهبود فرآیند مدیریت آموزشی در مدارس /
مولفان: زهرا نظری، نگار پناهی، سیده فردوس چلداوی
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۴۴۹-۲
شناسه افزوده: پناهی، نگار، ۱۳۷۸
شناسه افزوده: چلداوی، سیده فردوس، ۱۳۷۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: فناوری‌های نوین - فرآیند مدیریت آموزشی - مدارس
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: نقش فناوری‌های نوین در بهبود فرآیند مدیریت آموزشی در مدارس
مولفان: زهرا نظری - نگار پناهی - سیده فردوس چلداوی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زیرجذ
قیمت: ۱۲۸۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr-ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۴۴۹-۲
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

| | |
|--|----|
| مقدمه | ۵ |
| فصل اول: کلیات و مبانی نظری | ۹ |
| مفهوم و اهمیت مدیریت آموزشی: | ۱۲ |
| نقش تحول در نظام‌های آموزشی معاصر | ۱۶ |
| تعریف و طبقه‌بندی فناوری‌های نوین آموزشی | ۱۹ |
| مبانی نظری ارتباط فناوری و مدیریت آموزشی | ۲۱ |
| مدل‌های مدیریتی سنتی و نوین در مدارس | ۲۳ |
| ضرورت بهره‌گیری از فناوری در مدیریت مدارس | ۲۶ |
| فصل دوم: نقش فناوری در بهبود فرآیندهای مدیریتی مدارس | ۲۹ |
| فناوری و تصمیم‌گیری مبتنی بر داده | ۳۱ |
| کاربرد فناوری در برنامه‌ریزی آموزشی | ۳۴ |
| نقش فناوری در سازماندهی امور مدرسه | ۳۶ |
| فناوری و هدایت معلمان و دانش‌آموزان | ۳۹ |
| فناوری‌های نوین در ارزشیابی و کنترل کیفیت آموزشی | ۴۲ |
| مدیریت زمان و منابع با استفاده از فناوری | ۴۴ |
| فصل سوم: کاربردهای فناوری در حوزه‌های مختلف مدرسه | ۵۱ |
| سامانه‌های هوشمند ثبت‌نام، حضور و غیاب | ۵۶ |
| فناوری‌های ارتباطی و تعامل مدرسه با والدین | ۵۸ |
| فناوری‌های نوین در ارزشیابی دانش‌آموزان | ۶۱ |

| | |
|-----|---|
| ۶۳ | مدیریت منابع مالی و فیزیکی مدرسه با فناوری |
| ۶۷ | امنیت، ایمنی و مدیریت بحران با ابزارهای فناورانه |
| ۷۳ | فصل چهارم |
| ۷۳ | چالش‌ها و موانع به‌کارگیری فناوری در مدیریت آموزشی |
| ۷۶ | ضعف زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری |
| ۷۹ | کمبود مهارت‌های فناورانه مدیران و معلمان |
| ۸۲ | مقاومت فرهنگی در برابر تغییرات فناورانه |
| ۸۶ | محدودیت‌های مالی و بودجه‌ای در مدارس |
| ۸۹ | مشکلات حقوقی و سیاست‌گذاری در حوزه فناوری آموزشی |
| ۹۲ | خطرات امنیتی و اخلاقی استفاده از فناوری در مدارس |
| ۹۷ | فصل پنجم |
| ۹۷ | راهکارها، چشم‌اندازها و آینده مدیریت آموزشی فناورانه |
| ۱۰۰ | راهکارهای توسعه زیرساخت فناوری در مدارس |
| ۱۰۴ | برنامه‌های توانمندسازی مدیران و معلمان در حوزه فناوری |
| ۱۰۷ | راهبردهای سیاست‌گذاری ملی در آموزش فناورانه |
| ۱۱۰ | نقش همکاری والدین و جامعه در توسعه فناوری مدارس |
| ۱۱۴ | فرصت‌های نوین فناوری در مدیریت آموزشی (هوش مصنوعی، کلان‌داده، اینترنت اشیا) |
| ۱۱۸ | چشم‌انداز آینده مدارس هوشمند و مدیریت فناورانه |
| ۱۲۲ | نتیجه‌گیری: |
| ۱۲۵ | منابع: |

مقدمه

مدیریت آموزشی به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام تعلیم و تربیت همواره نیازمند بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های نوین برای ارتقای کیفیت عملکرد خود بوده است. در طول تاریخ، شیوه‌های مدیریت در مدارس بر اساس شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تغییر یافته و تکامل یافته‌اند، اما با ظهور فناوری‌های نوین در عرصه‌های مختلف زندگی بشر، این تغییرات شتابی دوچندان پیدا کرده است. فناوری‌های نوین توانسته‌اند بسیاری از محدودیت‌های سنتی را در مدیریت آموزشی کاهش داده و مسیرهای تازه‌ای برای بهبود کارایی و اثربخشی فرآیندهای آموزشی ایجاد کنند. در مدارس امروز، مدیران دیگر تنها به ابزارهای اداری و کاغذی بسنده نمی‌کنند، بلکه طیف گسترده‌ای از فناوری‌ها را در اختیار دارند که می‌تواند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل را تسهیل نماید. این فناوری‌ها، از نرم‌افزارهای مدیریت مدرسه گرفته تا سامانه‌های آموزش الکترونیکی، شبکه‌های ارتباطی و ابزارهای تحلیلی داده، بستری را فراهم ساخته‌اند که مدیریت آموزشی را به سطحی بالاتر ارتقا دهند.

تحول دیجیتال در نظام‌های آموزشی موجب شده است مدارس به محیط‌هایی پویا، نوآور و پاسخ‌گو به نیازهای دانش‌آموزان و معلمان تبدیل شوند. مدیران آموزشی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین قادرند اطلاعات دانش‌آموزان را به صورت دقیق و لحظه‌ای ثبت و تحلیل کنند، عملکرد کادر آموزشی را ارزیابی نمایند و ارتباط مؤثری میان مدرسه، والدین و جامعه برقرار سازند. این امر نه تنها کیفیت مدیریت مدرسه را افزایش می‌دهد، بلکه منجر به ایجاد شفافیت، کاهش خطا و ارتقای سطح پاسخ‌گویی نیز می‌شود. فناوری‌های نوین در حوزه مدیریت آموزشی، امکان تمرکززدایی از امور اداری و واگذاری بخشی از مسئولیت‌ها به سامانه‌های هوشمند را فراهم آورده‌اند و این امر به مدیران اجازه می‌دهد وقت بیشتری را صرف برنامه‌ریزی راهبردی و بهبود فرایندهای یاددهی و یادگیری کنند.

یکی از مهم‌ترین تأثیرات فناوری‌های نوین بر مدیریت آموزشی، افزایش سرعت و دقت در جمع‌آوری و پردازش اطلاعات است. در گذشته، فرآیند ثبت‌نام، حضور و غیاب، ارزشیابی و گزارش‌گیری نیازمند صرف زمان و منابع زیادی بود، اما امروز با استفاده از سامانه‌های یکپارچه مدیریت مدرسه، این امور به صورت سریع، دقیق و خودکار انجام می‌شود. چنین سامانه‌هایی امکان نظارت مستمر بر روند آموزشی را فراهم می‌سازند و با تحلیل داده‌ها، به مدیران در اتخاذ تصمیمات آگاهانه کمک می‌کنند. افزون بر این، فناوری‌های نوین ابزارهای متنوعی برای برقراری ارتباط مؤثر میان مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین ایجاد کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اطلاع‌رسانی، پیگیری وضعیت تحصیلی و حل مشکلات آموزشی به سادگی از طریق پلتفرم‌های دیجیتال انجام‌پذیر است.

به کارگیری فناوری‌های نوین در مدیریت آموزشی، تنها به جنبه‌های اداری محدود نمی‌شود، بلکه در ایجاد فضای آموزشی مناسب نیز نقش بسزایی دارد. مدیران مدارس با استفاده از فناوری می‌توانند زیرساخت‌های لازم برای آموزش ترکیبی، آموزش از راه دور و بهره‌گیری از محتوای چندرسانه‌ای را فراهم آورند. این رویکرد باعث افزایش انگیزه دانش‌آموزان، ارتقای کیفیت یادگیری و کاهش شکاف‌های آموزشی می‌شود. همچنین، فناوری فرصت مناسبی برای طراحی برنامه‌های آموزشی

متناسب با نیازها و توانایی‌های فردی دانش‌آموزان ایجاد می‌کند و بدین ترتیب، عدالت آموزشی تقویت می‌گردد. در کنار این موارد، ابزارهای فناوری به مدیران امکان می‌دهند تا از روش‌های نوین ارزشیابی، نظارت و بازخورد استفاده کنند و فرآیند یادگیری را به‌طور مستمر بهبود بخشند.

نقش فناوری در مدیریت منابع انسانی مدارس نیز بسیار چشمگیر است. مدیران می‌توانند با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی، حضور و غیاب معلمان را مدیریت کنند، ارزیابی عملکرد آنان را با دقت بیشتری انجام دهند و در برنامه‌ریزی برای آموزش‌های ضمن خدمت از داده‌های واقعی بهره‌گیرند. فناوری‌های نوین به مدیران این امکان را می‌دهد که با شناسایی نیازهای آموزشی معلمان و دانش‌آموزان، برنامه‌هایی هدفمند برای ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری طراحی کنند. افزون بر این، فناوری باعث افزایش مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود؛ زیرا از طریق سامانه‌های ارتباطی، معلمان می‌توانند نظرات و پیشنهادهای خود را به مدیران منتقل کرده و در فرآیند مدیریت مدرسه نقش فعال‌تری ایفا کنند.

یکی دیگر از ابعاد مهم فناوری در مدیریت آموزشی، کمک به مدیریت منابع مالی و فیزیکی مدارس است. سامانه‌های هوشمند مالی و حسابداری می‌توانند فرآیند بودجه‌بندی، هزینه‌کرد و گزارش‌دهی مالی را ساده و شفاف کنند. این امر نه تنها مانع بروز خطاهای انسانی می‌شود، بلکه امکان نظارت دقیق بر منابع مالی مدرسه را نیز فراهم می‌آورد. همچنین، فناوری‌های نوین می‌توانند در مدیریت فضاهای آموزشی، تجهیزات و امکانات مدرسه نقش مؤثری داشته باشند. برای مثال، استفاده از سیستم‌های هوشمند در مدیریت انرژی و نگهداری تجهیزات، هزینه‌های مدارس را کاهش داده و بهره‌وری را افزایش می‌دهد.

تحولات فناوری همچنین ارتباط مدارس با محیط بیرونی را تسهیل کرده است. امروزه مدارس می‌توانند با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌ها و سامانه‌های ارتباطی، تعامل گسترده‌تری با والدین و جامعه محلی برقرار کنند. این امر موجب افزایش اعتماد عمومی به مدارس، تقویت همکاری والدین و ارتقای جایگاه اجتماعی مدرسه می‌شود. علاوه بر آن، فناوری‌های نوین امکان همکاری بین‌مدرسه‌ای و تبادل تجربیات میان مدیران و معلمان را فراهم کرده‌اند که این موضوع خود به ارتقای کیفیت مدیریت آموزشی کمک می‌کند.

با وجود تمامی مزایا، به‌کارگیری فناوری‌های نوین در مدیریت آموزشی چالش‌هایی نیز به همراه دارد. نبود زیرساخت‌های مناسب، کمبود بودجه، مقاومت فرهنگی در برابر تغییر، و ضعف در مهارت‌های دیجیتال مدیران و معلمان از جمله موانعی هستند که می‌توانند کارایی فناوری را محدود سازند. بنابراین، برای بهره‌گیری مؤثر از فناوری در مدیریت آموزشی، لازم است سیاست‌گذاری‌های کلان، آموزش‌های لازم و حمایت‌های مالی و فنی در سطح نظام آموزشی صورت گیرد.

در مجموع، نقش فناوری‌های نوین در بهبود فرآیند مدیریت آموزشی در مدارس انکارناپذیر است. این فناوری‌ها با فراهم ساختن ابزارهایی برای تصمیم‌گیری دقیق، نظارت مستمر، ارتباط مؤثر و مدیریت منابع، توانسته‌اند مدارس را به سمت کارآمدی و اثربخشی بیشتر سوق دهند. در دنیای امروز که دانش و مهارت‌های جدید به‌سرعت در حال گسترش هستند، بی‌توجهی به فناوری‌های نوین می‌تواند موجب عقب‌ماندگی مدارس از تحولات جهانی شود. از این‌رو، بهره‌گیری آگاهانه، هدفمند و

خلاقانه از فناوری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای مدیران آموزشی است تا بتوانند با چالش‌های پیچیده عصر حاضر مواجه شوند و کیفیت آموزش را به سطحی مطلوب ارتقا دهند.

فناوری‌های نوین این ظرفیت را دارند که فرآیند تصمیم‌گیری در مدارس را علمی‌تر و مبتنی بر داده کنند. مدیران آموزشی به جای تکیه صرف بر تجربه شخصی یا گزارش‌های غیرمستند، می‌توانند با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از سامانه‌های هوشمند، تصمیم‌هایی اتخاذ کنند که بر شواهد و تحلیل دقیق استوار باشد. این تصمیم‌ها نه تنها در حوزه مسائل آموزشی بلکه در زمینه‌های مالی، رفاهی، انضباطی و ارتباطی نیز می‌تواند راهگشا باشد. بدین ترتیب، مدیریت مدرسه از یک فعالیت صرفاً اداری به یک فرآیند علمی و پژوهش‌محور تبدیل می‌شود.

یکی از جلوه‌های مهم به‌کارگیری فناوری در مدیریت آموزشی، توجه به یادگیری شخصی‌سازی شده است. در بسیاری از مدارس، مدیران با کمک فناوری می‌توانند مسیرهای یادگیری متفاوتی برای دانش‌آموزان طراحی کنند و با نظارت بر پیشرفت تحصیلی آنان، منابع و امکانات متناسب با نیازهای فردی را فراهم آورند. این رویکرد علاوه بر افزایش انگیزه و علاقه دانش‌آموزان، به تحقق عدالت آموزشی نیز کمک می‌کند؛ چرا که هر دانش‌آموز می‌تواند بر اساس توانایی‌ها و علایق خود مسیر یادگیری متفاوتی را تجربه نماید.

در کنار این موضوع، فناوری‌های نوین امکان رصد و پایش مستمر عملکرد دانش‌آموزان را برای مدیران فراهم کرده‌اند. به کمک سامانه‌های هوشمند، اطلاعات مربوط به نمرات، حضور و غیاب، مشارکت در کلاس و حتی رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان ثبت و تحلیل می‌شود. مدیران می‌توانند با استفاده از این داده‌ها، نقاط قوت و ضعف هر دانش‌آموز را شناسایی کرده و اقدامات اصلاحی متناسبی طراحی کنند. این امر در پیشگیری از افت تحصیلی، کاهش مشکلات رفتاری و افزایش انگیزه دانش‌آموزان نقش بسزایی ایفا می‌کند.

فناوری همچنین زمینه را برای توسعه حرفه‌ای معلمان فراهم ساخته است. مدیران مدارس با بهره‌گیری از پلتفرم‌های آموزشی آنلاین و سامانه‌های آموزش مجازی می‌توانند برنامه‌های توانمندسازی و آموزش ضمن خدمت را برای معلمان تدارک ببینند. این برنامه‌ها با انعطاف‌پذیری بالا، امکان دسترسی معلمان به منابع آموزشی متنوع را فراهم کرده و موجب ارتقای دانش حرفه‌ای آنان می‌شود. در نتیجه، کیفیت تدریس و یادگیری در مدارس نیز ارتقا می‌یابد.

یکی از دستاوردهای دیگر فناوری‌های نوین، تسهیل فرآیند ارتباطات درون‌سازمانی است. مدیران آموزشی می‌توانند از ابزارهای دیجیتال برای برگزاری جلسات آنلاین، تبادل سریع اطلاعات و هماهنگی میان اعضای کادر آموزشی استفاده کنند. این امر علاوه بر صرفه‌جویی در زمان و هزینه، موجب افزایش انسجام و همدلی میان کارکنان می‌شود. همچنین، ارتباط میان مدرسه و والدین نیز با استفاده از سامانه‌های هوشمند آسان‌تر شده است. والدین می‌توانند از وضعیت تحصیلی، انضباطی و رفتاری فرزندان خود به‌صورت لحظه‌ای مطلع شوند و در فرآیند آموزشی آنان نقش فعال‌تری ایفا کنند.

از سوی دیگر، فناوری‌های نوین امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و آینده‌نگرانه را برای مدیران فراهم می‌سازند. با تحلیل داده‌های آموزشی و رفتاری، مدیران می‌توانند روندهای موجود را شناسایی کرده

و برای بهبود کیفیت آموزشی برنامه‌های دقیق‌تری تدوین کنند. این آینده‌نگری کمک می‌کند مدارس با تحولات سریع دنیای امروز هماهنگ باشند و بتوانند نیازهای متغیر دانش‌آموزان را برآورده سازند.

نقش فناوری در ارتقای شفافیت نیز بسیار حائز اهمیت است. در مدارس سنتی، بسیاری از فرآیندها به دلیل نبود ابزارهای دقیق، با ابهام و خطا همراه بودند، اما فناوری امکان مستندسازی و ثبت دقیق اطلاعات را فراهم کرده است. این امر موجب افزایش اعتماد میان مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین می‌شود و زمینه را برای مدیریت مشارکتی فراهم می‌سازد. شفافیت حاصل از فناوری به ویژه در حوزه‌های مالی و ارزشیابی می‌تواند از بروز سوءتفاهم‌ها و ناراضی‌ها جلوگیری کند.

یکی دیگر از ابعاد مهم به‌کارگیری فناوری در مدیریت آموزشی، ارتقای امنیت و ایمنی مدارس است. استفاده از سیستم‌های نظارت تصویری، سامانه‌های کنترل ورود و خروج، و نرم‌افزارهای مدیریت بحران می‌تواند به مدیران در تأمین امنیت دانش‌آموزان کمک کند. این فناوری‌ها امکان واکنش سریع در شرایط اضطراری را فراهم کرده و از بروز خطرات احتمالی پیشگیری می‌کنند. بدین ترتیب، مدارس به محیطی امن‌تر برای یادگیری و پرورش دانش‌آموزان تبدیل می‌شوند.

توسعه فرهنگ استفاده از فناوری نیز از دیگر وظایف مدیران آموزشی است. مدیرانی که خود مهارت‌های لازم برای بهره‌گیری از فناوری را دارند، می‌توانند الگوی مناسبی برای معلمان و دانش‌آموزان باشند. آنان با ترویج فرهنگ استفاده صحیح از فناوری، زمینه‌ساز ایجاد محیطی یادگیرنده و فناورانه در مدارس می‌شوند. این فرهنگ‌سازی می‌تواند نقش مهمی در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی و کار در جامعه دیجیتال ایفا کند.

از نظر پژوهشی نیز فناوری‌های نوین فرصت‌های تازه‌ای را پیش روی مدیران قرار داده است. مدیران می‌توانند با استفاده از ابزارهای تحلیلی، داده‌های مربوط به عملکرد مدرسه را بررسی کرده و پژوهش‌های کاربردی در حوزه آموزش و مدیریت انجام دهند. نتایج این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها کمک کند و مدارس را به محیط‌هایی یادگیرنده و پژوهش‌محور تبدیل نماید.

بدین ترتیب، فناوری‌های نوین نه تنها ابزارهایی برای تسهیل امور اداری و آموزشی هستند، بلکه زمینه‌ساز تحولات عمیق در شیوه‌های مدیریت مدارس محسوب می‌شوند. با این حال، تحقق کامل این ظرفیت‌ها نیازمند آموزش مستمر مدیران و معلمان، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری و ایجاد نگرش مثبت نسبت به تغییر است. تنها در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که فناوری به‌طور مؤثر در خدمت بهبود فرآیند مدیریت آموزشی قرار گیرد (عباسی، ف. ۱۳۹۹).

فصل اول

کلیات و مبانی نظری

مدیریت آموزشی به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام تعلیم و تربیت، همواره در پی آن بوده است که شرایطی فراهم آورد تا فرآیند آموزش و یادگیری در محیطی کارآمد، اثربخش و هدفمند انجام پذیرد. در طول تاریخ، مدارس همواره در مرکز توجه جوامع قرار داشته‌اند و مدیران مدارس نقش کلیدی در جهت‌دهی به کیفیت آموزش و تربیت نسل آینده ایفا کرده‌اند. آنچه مسلم است این‌که مدیریت آموزشی بدون بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های نوین نمی‌تواند با تحولات پرشتاب دنیای امروز هماهنگ شود. ورود فناوری‌های نوین به عرصه‌های مختلف زندگی بشر، تغییرات گسترده‌ای را در سبک زندگی، ارتباطات، آموزش و مدیریت به وجود آورده است. مدارس نیز به‌عنوان بخشی از این تحولات، ناگزیر از پذیرش فناوری‌های نوین هستند تا بتوانند مأموریت‌های خود را در شرایطی پیچیده و متغیر به انجام رسانند.

فناوری‌های نوین نه تنها ابزارهایی برای تسهیل امور اداری و آموزشی محسوب می‌شوند، بلکه نوعی نگرش تازه نسبت به مدیریت و سازماندهی ایجاد می‌کنند. در گذشته، مدیریت مدارس عمدتاً بر اساس روش‌های سنتی و دستی انجام می‌شد و این مسئله موجب کندی در امور، بروز خطاهای متعدد و کاهش کیفیت نظارت می‌گردید. اما امروز فناوری به مدیران این امکان را داده است که فرآیندهای پیچیده آموزشی و اداری را با دقت، سرعت و شفافیت بیشتری مدیریت کنند. تحول در این زمینه تا حدی عمیق بوده است که می‌توان گفت فناوری به بخشی جدایی‌ناپذیر از مدیریت آموزشی تبدیل شده است.

شناخت کلیات و مبانی نظری نقش فناوری در مدیریت آموزشی مستلزم بررسی مفاهیمی چون آموزش، مدیریت، تحول دیجیتال و نوآوری است. آموزش در ذات خود فرآیندی پویا، مستمر و در تعامل با محیط پیرامون است. مدیریت آموزشی نیز هنر و علم به‌کارگیری منابع انسانی و مادی برای دستیابی به اهداف آموزشی است. هنگامی که فناوری به این دو مقوله افزوده می‌شود، کارایی، اثربخشی و کیفیت فعالیت‌ها افزایش چشمگیری پیدا می‌کند. فناوری نه تنها ابزاری برای اجراست، بلکه به‌عنوان یک رویکرد، منطق و چارچوب فکری جدید وارد عرصه آموزش شده و نگرش مدیران را نسبت به فرآیند مدیریت دگرگون ساخته است.

از منظر نظری، رابطه فناوری و مدیریت آموزشی را می‌توان با نظریه‌های گوناگون توضیح داد. نظریه سیستم‌ها بیان می‌کند که هر سازمان آموزشی یک سیستم پویاست که از اجزای متعددی تشکیل شده و فناوری نقش عامل پیونددهنده و تسهیل‌کننده جریان اطلاعات بین اجزا را بر عهده دارد.

نظریه یادگیری سازمانی نیز بر این نکته تأکید دارد که سازمان‌های موفق، سازمان‌هایی هستند که از تجربیات گذشته می‌آموزند و خود را با تغییرات محیطی هماهنگ می‌سازند. فناوری‌های نوین دقیقاً بستری را فراهم می‌آورند که مدارس بتوانند یادگیرنده باشند و از طریق داده‌های دقیق و ابزارهای دیجیتال، به‌طور مستمر فرآیندهای خود را اصلاح و بهبود بخشند.

تحولات جهانی در عرصه فناوری، به‌ویژه در زمینه‌هایی همچون اینترنت، هوش مصنوعی، کلان‌داده و اینترنت اشیا، شرایطی را ایجاد کرده است که مدارس نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. این فناوری‌ها به مدیران امکان می‌دهند تا اطلاعات گسترده‌ای از وضعیت آموزشی و اداری مدرسه جمع‌آوری کنند، آن‌ها را تحلیل نمایند و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده تصمیمات دقیق‌تری اتخاذ کنند. چنین رویکردی موجب می‌شود که مدیریت آموزشی از حالت سنتی و تجربی فاصله گرفته و به یک مدیریت علمی، مبتنی بر شواهد و داده‌محور تبدیل شود.

باید توجه داشت که فناوری به‌تنهایی نمی‌تواند موجب بهبود مدیریت آموزشی گردد، بلکه نگرش مدیران و مهارت آن‌ها در استفاده از فناوری عامل تعیین‌کننده‌ای است. مدیرانی که نسبت به تغییرات فناورانه دیدگاه مثبتی دارند، می‌توانند محیط مدرسه را به سمت نوآوری و تحول سوق دهند. در مقابل، مدیرانی که نسبت به فناوری بی‌اعتماد یا بی‌تفاوت‌اند، ممکن است مانع تحقق ظرفیت‌های بالقوه فناوری شوند. بنابراین، مبانی نظری نقش فناوری در مدیریت آموزشی باید به جنبه‌های انسانی، فرهنگی و اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد.

یکی دیگر از ابعاد مهم در بررسی کلیات این موضوع، ارتباط میان فناوری و عدالت آموزشی است. فناوری‌های نوین فرصت‌هایی فراهم می‌آورند تا مدارس بتوانند آموزش را برای طیف گسترده‌تری از دانش‌آموزان با نیازها و توانایی‌های متفاوت در دسترس قرار دهند. استفاده از سامانه‌های یادگیری الکترونیکی، محتوای چندرسانه‌ای و ابزارهای شخصی‌سازی یادگیری باعث می‌شود دانش‌آموزانی که در شرایط گوناگون قرار دارند، از فرصت‌های آموزشی برابر برخوردار شوند. این امر با رسالت عدالت‌محور مدیریت آموزشی هم‌سو بوده و مبنای نظری مهمی برای بهره‌گیری از فناوری به شمار می‌رود.

درک کلیات نقش فناوری در مدیریت آموزشی مستلزم توجه به ابعاد اقتصادی نیز هست. سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری مدارس در ابتدا ممکن است پرهزینه به نظر برسد، اما در بلندمدت موجب صرفه‌جویی در منابع، افزایش بهره‌وری و کاهش اتلاف وقت می‌شود. مدیران آموزشی باید این دیدگاه اقتصادی را در نظر بگیرند و فناوری را به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت برای ارتقای کیفیت آموزش تلقی کنند. نظریه‌های اقتصادی آموزش نیز تأکید می‌کنند که استفاده بهینه از فناوری، ارزش افزوده قابل توجهی برای نظام آموزشی ایجاد خواهد کرد.

نکته دیگر آن است که فناوری، بُعد فرهنگی آموزش را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مدارس سنتی، فرهنگ یادگیری بیشتر بر حفظیات و روش‌های خطی استوار بود، اما فناوری امکان یادگیری تعاملی، اکتشافی و پروژه‌محور را فراهم ساخته است. این تغییر فرهنگی می‌تواند در مدیریت آموزشی نیز

بازتاب داشته باشد؛ زیرا مدیران باید با این فرهنگ جدید سازگار شوند و شرایطی را ایجاد کنند که یادگیری فناورانه بخشی طبیعی از زندگی روزمره دانش‌آموزان و معلمان باشد.

از نظر فلسفی نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که فناوری نه تنها ابزار، بلکه یک جهان‌بینی است. در نگاه فناوری‌محور، مدیریت آموزشی به جای تمرکز بر کنترل صرف، بر توانمندسازی، تعامل و یادگیری مداوم تأکید دارد. این نگاه ریشه در فلسفه آموزش و پرورش پیشرو دارد که معتقد است دانش‌آموزان باید برای زیستن در جامعه‌ای پویا و فناورانه آماده شوند. بنابراین، مبانی نظری نقش فناوری در مدیریت آموزشی را می‌توان در پیوند میان فلسفه تعلیم و تربیت، نظریه‌های مدیریتی و تحولات فناورانه جست‌وجو کرد.

در سطح عملی، کلیات این بحث نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین می‌توانند به مدیران در تمامی وظایف مدیریتی از جمله برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، نظارت و ارزشیابی یاری رسانند. آنچه اهمیت دارد این است که این ابزارها به‌طور آگاهانه و هدفمند به کار گرفته شوند. استفاده سطحی و نمایشی از فناوری نه تنها کمکی به بهبود مدیریت نمی‌کند، بلکه می‌تواند موجب اتلاف منابع و سردرگمی کارکنان گردد. بنابراین، شناخت اصول و مبانی نظری، پیش‌شرط موفقیت در بهره‌گیری از فناوری در مدیریت آموزشی است.

کلیات این حوزه همچنین بیانگر آن است که فناوری می‌تواند نقش مهمی در تقویت ارتباطات ایفا کند. مدیران مدارس از طریق ابزارهای دیجیتال قادرند ارتباطی مستمر و دوسویه با معلمان، دانش‌آموزان و والدین برقرار کنند. این ارتباطات شفاف و سریع، موجب افزایش اعتماد، کاهش سوءتفاهم و ارتقای همکاری میان ذی‌نفعان مدرسه می‌شود. از منظر نظری، این موضوع با نظریه‌های ارتباطات و مشارکت اجتماعی هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد که فناوری می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی مؤثر در مدیریت آموزشی عمل کند.

از بُعد روان‌شناختی نیز فناوری بر مدیریت آموزشی اثرگذار است. محیط‌های یادگیری فناورانه می‌توانند انگیزه دانش‌آموزان را افزایش دهند، احساس خودکارآمدی معلمان را تقویت کنند و استرس مدیران را در مواجهه با کارهای پیچیده کاهش دهند. چنین تأثیراتی از منظر نظریه‌های انگیزشی و روان‌شناسی یادگیری قابل تبیین است و نشان می‌دهد که فناوری نه تنها ابزار مدیریتی، بلکه عاملی برای بهبود بهزیستی روانی اعضای مدرسه نیز هست.

در نهایت، بررسی کلیات و مبانی نظری نقش فناوری‌های نوین در مدیریت آموزشی آشکار می‌سازد که این موضوع چندبعدی، میان‌رشته‌ای و پویا است. از یک سو، فناوری ابزاری است که می‌تواند کارایی فرآیندهای آموزشی را افزایش دهد، و از سوی دیگر، یک نگرش و فرهنگ جدید است که نیازمند تغییر در سبک مدیریت و رهبری مدارس می‌باشد. ترکیب این ابعاد نظری و عملی، تصویری جامع از ضرورت و اهمیت بهره‌گیری از فناوری در مدیریت آموزشی به دست می‌دهد.

مفهوم و اهمیت مدیریت آموزشی:

مدیریت آموزشی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین ارکان نظام تعلیم و تربیت همواره جایگاه ویژه‌ای در ارتقای کیفیت آموزش داشته است. مفهوم مدیریت آموزشی در ساده‌ترین شکل خود به معنای برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل فعالیت‌های آموزشی در راستای تحقق اهداف نظام آموزشی است. این مفهوم ریشه در نظریه‌های عمومی مدیریت دارد اما با توجه به ویژگی‌های خاص آموزش و پرورش، دارای ماهیت و کارکردهای متمایزی است. مدارس به‌عنوان نهادهای رسمی آموزش وظیفه دارند نسل آینده را برای زندگی اجتماعی آماده کنند و تحقق این رسالت بدون وجود یک مدیریت توانمند امکان‌پذیر نیست. در واقع، مدیریت آموزشی همچون ستون فقرات نظام مدرسه عمل می‌کند و تمامی فعالیت‌های آموزشی، پرورشی، اداری و حتی اجتماعی تحت تأثیر کیفیت مدیریت قرار می‌گیرد.

مدیریت آموزشی از آن جهت اهمیت دارد که منابع انسانی و مادی در مدارس محدود هستند و بدون مدیریت کارآمد، این منابع به درستی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. دانش‌آموزان به‌عنوان محور اصلی آموزش نیازمند محیطی هستند که در آن انگیزه، نظم و فرصت رشد فراهم باشد. معلمان نیز به‌عنوان عاملان اصلی فرایند یاددهی و یادگیری، نیاز دارند تا در چارچوب یک مدیریت هماهنگ و هدفمند فعالیت کنند. مدیر آموزشی با شناخت درست از اهداف کلان آموزش و پرورش، شرایط مدرسه، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه و نیازهای دانش‌آموزان می‌تواند محیطی ایجاد کند که همه عوامل به سمت هدف مشترک حرکت نمایند. به همین دلیل گفته می‌شود که موفقیت یا ناکامی مدارس بیش از هر چیز وابسته به کیفیت مدیریت آن‌ها است.

از منظر نظری، مدیریت آموزشی مفهومی میان‌رشته‌ای است که از علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت عمومی تأثیر می‌پذیرد. این مفهوم بر این اصل استوار است که آموزش تنها یک فعالیت فردی نیست بلکه یک فرآیند سازمان‌یافته اجتماعی است و باید همانند هر سازمان دیگر، با اصول مدیریتی اداره شود. با این حال، تفاوت مهم آن با سازمان‌های اقتصادی یا صنعتی در این است که محصول مدرسه، انسان است و همین امر وظیفه مدیران آموزشی را پیچیده‌تر و حساس‌تر می‌کند. زیرا آن‌ها نه تنها باید به کیفیت فرآیند آموزش توجه کنند بلکه باید پرورش شخصیت، اخلاق و ارزش‌های انسانی دانش‌آموزان را نیز در نظر داشته باشند.

اهمیت مدیریت آموزشی در این است که می‌تواند میان اهداف آرمانی نظام آموزش و شرایط واقعی مدارس پیوند برقرار کند. بسیاری از اسناد بالادستی آموزشی در کشورها، اهداف بلندی برای تربیت شهروندان مسئول، خلاق و کارآمد تعیین می‌کنند، اما تحقق این اهداف در سطح مدرسه نیازمند مدیری است که بتواند این آرمان‌ها را به برنامه‌های عملیاتی تبدیل نماید. اگر چنین مدیریتی وجود نداشته باشد، اهداف کلان در حد شعار باقی خواهند ماند و تأثیر چندانی بر زندگی دانش‌آموزان نخواهند داشت.

مدیریت آموزشی به مدیران کمک می‌کند که در شرایط پیچیده و متغیر امروز، بهترین تصمیم‌ها را بگیرند. مدارس امروزی با چالش‌های متعددی از جمله کمبود منابع، تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، تحولات فناورانه، انتظارات والدین و نیازهای جامعه روبه‌رو هستند. در چنین شرایطی، مدیر آموزشی باید توانایی تجزیه و تحلیل وضعیت، برنامه‌ریزی آینده‌نگر، انگیزش کارکنان و هدایت فرایند یادگیری را داشته باشد. این توانایی‌ها بدون داشتن چارچوب نظری مدیریت آموزشی به دست نمی‌آید. بنابراین، می‌توان گفت که مدیریت آموزشی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای مدارس قرن بیست‌ویکم است.

اهمیت مدیریت آموزشی تنها به سطح مدرسه محدود نمی‌شود بلکه در سطح کلان نظام آموزشی نیز نقش تعیین‌کننده دارد. سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌های درسی و منابع مالی همه زمانی به نتیجه می‌رسند که در مدرسه به‌وسیله مدیران اجرایی شوند. در واقع، مدیران آموزشی حلقه اتصال میان سیاست‌های کلان و عمل روزمره در کلاس‌های درس هستند. اگر این حلقه ضعیف باشد، حتی بهترین سیاست‌ها نیز به نتیجه مطلوب نخواهند رسید. از این رو بسیاری از اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت بر این باورند که اصلاحات آموزشی باید از طریق تقویت مدیریت مدارس آغاز شود.

از جنبه فردی نیز مدیریت آموزشی بر رشد حرفه‌ای معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است. معلمانی که در مدرسه‌ای با مدیریت توانمند فعالیت می‌کنند، احساس رضایت شغلی بیشتری دارند و فرصت‌های بیشتری برای ارتقای دانش حرفه‌ای خود به دست می‌آورند. دانش‌آموزان نیز در چنین مدرسه‌ای محیطی منظم، امن و انگیزه‌بخش را تجربه می‌کنند که به رشد همه‌جانبه آنان کمک می‌کند. در مقابل، مدارس با مدیریت ضعیف اغلب دچار بی‌نظمی، کاهش انگیزه و افت کیفیت آموزشی می‌شوند.

یکی دیگر از دلایل اهمیت مدیریت آموزشی، ارتباط مستقیم آن با عدالت آموزشی است. مدیریت مدرسه می‌تواند با تخصیص درست منابع، توجه به نیازهای دانش‌آموزان محروم و ایجاد فرصت‌های برابر، به تحقق عدالت کمک کند. اگر مدیریت آموزشی این وظیفه را به‌خوبی انجام ندهد، شکاف‌های اجتماعی در مدرسه بازتولید می‌شود و نظام آموزشی به جای کاهش نابرابری‌ها، آن‌ها را تشدید خواهد کرد. بنابراین، مدیریت آموزشی نقش مهمی در جهت‌دهی به عدالت و برابری فرصت‌های یادگیری دارد.

از منظر فرهنگی، مدیریت آموزشی می‌تواند نقش هویت‌بخش داشته باشد. مدرسه تنها مکانی برای انتقال دانش نیست بلکه محیطی برای شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است. مدیران آموزشی با ایجاد فضایی سالم، با نشاط و مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی جامعه، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا هویت خود را بشناسند و درک بهتری از جامعه پیدا کنند. به همین دلیل مدیریت آموزشی صرفاً یک فعالیت اداری نیست بلکه رسالتی فرهنگی و تربیتی نیز بر عهده دارد.

مدیریت آموزشی همچنین نقش مهمی در توسعه حرفه‌ای مدیران ایفا می‌کند. مدیرانی که با مبانی و اصول مدیریت آموزشی آشنا هستند، می‌توانند در طول زمان تجربه‌های خود را غنی‌تر سازند و در سطح بالاتری از نظام آموزشی ایفای نقش کنند. این امر موجب می‌شود که نظام آموزشی بتواند رهبران آموزشی کارآمدی را پرورش دهد که توانایی مواجهه با تحولات آینده را داشته باشند.

با توجه به تحولات جهانی، اهمیت مدیریت آموزشی روزبه‌روز افزایش می‌یابد. جهانی‌شدن، پیشرفت فناوری و تغییرات اجتماعی شرایطی را ایجاد کرده است که مدارس باید انعطاف‌پذیر و نوآور باشند. مدیریت آموزشی در چنین شرایطی وظیفه دارد مدارس را به سازمان‌های یادگیرنده تبدیل کند؛ سازمان‌هایی که قادرند خود را با تغییرات وفق دهند و یادگیری مستمر را در همه سطوح ترویج کنند.

نکته قابل توجه این است که مفهوم مدیریت آموزشی با رهبری آموزشی پیوند نزدیکی دارد. هرچند این دو اصطلاح گاه مترادف به کار می‌روند، اما تفاوت‌هایی نیز دارند. مدیریت بیشتر به جنبه‌های سازماندهی و کنترل می‌پردازد، در حالی که رهبری بر الهام‌بخشی، انگیزش و ایجاد چشم‌انداز متمرکز است. مدیران آموزشی موفق کسانی هستند که بتوانند این دو بعد را در کنار یکدیگر به کار گیرند. آن‌ها نه تنها امور مدرسه را مدیریت می‌کنند بلکه با ایجاد چشم‌انداز مشترک و انگیزه‌بخشی به کارکنان و دانش‌آموزان، مدرسه را به سوی تعالی سوق می‌دهند.

اهمیت مدیریت آموزشی را می‌توان از منظر اقتصادی نیز بررسی کرد. سرمایه‌گذاری در آموزش زمانی بازدهی واقعی دارد که مدیریت آموزشی بتواند منابع را به بهترین شکل ممکن به کار گیرد. اگر مدیریت ناکارآمد باشد، حتی منابع مالی فراوان نیز نمی‌توانند کیفیت آموزش را تضمین کنند. در مقابل، مدیریت کارآمد می‌تواند با منابع محدود نیز بهترین نتایج را به دست آورد. بنابراین، مدیریت آموزشی نقشی کلیدی در بهره‌وری نظام آموزشی دارد.

مدیریت آموزشی همچنین نقشی بنیادین در ایجاد انگیزش در معلمان ایفا می‌کند. انگیزش معلمان تنها به مسائل مالی وابسته نیست بلکه به احساس ارزشمندی، قدردانی و حمایت نیز بستگی دارد. یک مدیر آموزشی کارآمد می‌تواند با ایجاد فضایی صمیمی و عادلانه، معلمان را به فعالیت بیشتر ترغیب کند. زمانی که معلمان احساس کنند تلاش‌هایشان دیده می‌شود و در تصمیم‌گیری‌های مدرسه مشارکت دارند، با اشتیاق بیشتری در کلاس حاضر می‌شوند و این امر به بهبود کیفیت یادگیری دانش‌آموزان منجر خواهد شد.

از سوی دیگر، مدیریت آموزشی به‌طور مستقیم بر روابط انسانی در مدرسه اثرگذار است. مدرسه به‌عنوان یک محیط اجتماعی، مجموعه‌ای از تعاملات میان مدیر، معلمان، دانش‌آموزان و والدین است. اگر این روابط به‌درستی مدیریت نشوند، تعارض‌ها و سوءتفاهم‌ها افزایش یافته و فضای یادگیری آسیب می‌بیند. مدیر آموزشی با بهره‌گیری از مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی می‌تواند روابطی مبتنی بر اعتماد، احترام و همکاری ایجاد کند و به این ترتیب، مدرسه را به محیطی سالم و پویا تبدیل نماید.

اهمیت دیگر مدیریت آموزشی در نقش آن در برنامه‌ریزی درسی است. هرچند طراحی کلی برنامه‌های درسی در سطح ملی انجام می‌شود، اما اجرای موفق آن‌ها در مدرسه نیازمند مدیریت کارآمد است. مدیر آموزشی باید شرایط مدرسه، امکانات موجود، ویژگی‌های دانش‌آموزان و توانمندی‌های معلمان را در نظر بگیرد و با انعطاف‌پذیری، برنامه درسی را به‌گونه‌ای تنظیم کند که به بهترین شکل ممکن اجرا شود. در غیر این صورت، حتی بهترین برنامه‌های درسی نیز در عمل ناکارآمد خواهند بود.

مدیریت آموزشی همچنين در ايجاد فرهنگ سازمانی مدرسه نقش تعيين‌کننده‌ای دارد. فرهنگ سازمانی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و هنجارهایی است که رفتار اعضای مدرسه را شکل می‌دهد. مدیران آموزشی با الگو بودن، تشویق رفتارهای مثبت و تأکید بر ارزش‌های مشترک می‌توانند فرهنگی ايجاد کنند که یادگیری و همکاری در آن ارزشمند شمرده شود. چنین فرهنگی نه تنها عملکرد مدرسه را ارتقا می‌دهد بلکه رضایت اعضا را نیز افزایش می‌دهد.

از منظر روان‌شناسی، مدیریت آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا بر سلامت روانی دانش‌آموزان و معلمان اثر می‌گذارد. مدرسه‌ای که در آن نظم، عدالت و حمایت وجود دارد، به محیطی امن برای رشد روانی تبدیل می‌شود. در مقابل، مدیریت ناکارآمد می‌تواند استرس، بی‌اعتمادی و اضطراب را افزایش دهد و این امر یادگیری را با مشکل مواجه کند. بنابراین، مدیر آموزشی مسئول است که محیطی مثبت و حمایتگر ايجاد نماید تا سلامت روانی همه افراد مدرسه تضمین شود.

نقش مدیریت آموزشی در سازگاری مدرسه با تغییرات اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیت است. جوامع پیوسته در حال تغییر هستند و انتظارات آن‌ها از مدرسه نیز دگرگون می‌شود. مدیر آموزشی باید این تغییرات را شناسایی کرده و با انعطاف‌پذیری، مدرسه را به‌گونه‌ای اداره کند که بتواند به نیازهای جدید پاسخ دهد. برای مثال، ظهور فناوری‌های نوین، اهمیت مهارت‌های اجتماعی و افزایش تنوع فرهنگی از جمله تغییراتی هستند که مدارس امروزی باید با آن‌ها سازگار شوند.

مدیریت آموزشی علاوه بر توجه به درون مدرسه، باید ارتباط مؤثر با جامعه محلی و والدین برقرار کند. مدرسه بخشی از جامعه است و بدون همکاری والدین و نهادهای محلی نمی‌تواند به‌تنهایی وظیفه تربیتی خود را انجام دهد. مدیر آموزشی با ايجاد شبکه‌های ارتباطی قوی می‌تواند حمایت جامعه را جلب کرده و فرصت‌های بیشتری برای دانش‌آموزان فراهم آورد. چنین ارتباطی نه تنها منابع مدرسه را افزایش می‌دهد بلکه اعتماد والدین به مدرسه را نیز تقویت می‌کند.

از منظر توسعه ملی نیز اهمیت مدیریت آموزشی انکارناپذیر است. سرمایه انسانی به‌عنوان عامل اصلی پیشرفت کشورها شناخته می‌شود و این سرمایه در مدارس شکل می‌گیرد. اگر مدیریت آموزشی در سطح مدارس کارآمد نباشد، کیفیت آموزش پایین می‌آید و جامعه در بلندمدت از نظر علمی، فرهنگی و اقتصادی آسیب می‌بیند. بنابراین، تقویت مدیریت آموزشی در واقع سرمایه‌گذاری برای آینده کشور است.

مدیریت آموزشی می‌تواند نقشی اساسی در پرورش خلاقیت ایفا کند. مدارس تنها وظیفه انتقال دانش ندارند بلکه باید دانش‌آموزان را برای مواجهه با مسائل جدید آماده کنند. این هدف بدون توجه به خلاقیت امکان‌پذیر نیست. مدیران آموزشی با ايجاد فضای باز، حمایت از نوآوری معلمان و تشویق دانش‌آموزان به تجربه و آزمایش می‌توانند زمینه پرورش خلاقیت را فراهم کنند. در مقابل، مدیریت سختگیرانه و سنتی خلاقیت را سرکوب کرده و مانع رشد دانش‌آموزان می‌شود.

از جنبه اخلاقی نیز مدیریت آموزشی اهمیت دارد. مدیران آموزشی نه تنها باید الگوی اخلاقی برای معلمان و دانش‌آموزان باشند بلکه باید ارزش‌های اخلاقی را در سراسر مدرسه نهادینه کنند. عدالت،